گفت‌وگوی «شرق» با زهرا افتخارزاده، مدیرعامل خانه امن «آتنا»

کودک‌همسری مصداق بارز آزار جنسی کودک است

ثمر فاطمی، فرانک جواهری

معصومه، رومینا، مونا... فرقی نمی‌کند نامشان چه باشد، همه این بچه‌ها قربانیان قتل‌های موسوم به ناموسی هستند. جان‌هایی که به دست اعضای درجه‌یک خانواده، پدر یا همسر گرفته می‌شوند تا خونشان آبرو شود. رومینا دختر نوجوان ۱۳ساله، خرداد ۱۳۹۹ با ضربه داس پدرش به قتل رسید. یک سال و نیم بعد، سر بی‌گناه مونا در دستان پدر پسر سه‌ساله‌اش در خیابان‌های اهواز چرخانده شد. قتل‌هایی که اگرچه اولین و آخرین نمونه‌های خود نبودند و واکنش‌ها و انتقادهای بسیاری به دنبال داشتند اما تصمیم‌گیران و قانون‌گذاران را مجاب نکردند که باید تغییری در قانون ایجاد کنند یا لایحه منع خشونت علیه زنان را به نتیجه برسانند تا دیگر شاهد بروز چنین حوادثی نباشیم. همین سبب شد که این اتفاقات به خاطره‌های تلخی در اذهان عمومی تبدیل شوند تا روز دیگر و قتلی دیگر که برای یادآوری تکرار شوند. همین هم شد؛ این بار نوبت معصومه بود. سه سال بعد از رومینا و یک سال و نیم بعد از مونا، حالا این جسم بی‌جان معصومه بود که پیچیده در ملحفه، سرگردان کوچه‌خیابان‌های اهواز شد. غروب جمعه، یازدهم آذرماه، پدر معصومه صلحیاوی، دختر نوجوان ۱۷ ساله خود را به دلیل ارتباط با مردی، با چاقو به قتل رساند و بعد از پیچیدن جنازه او در ملحفه، او را جلوی خانه بزرگشان رها کرد. اگرچه بر بعد از این قتل، به کلانتری مراجعه و ماجرا را تعریف کرد اما کار از کار گذشته، معصومه مرده و دیگر هیچ‌وقت با همه اعتراف‌ها به زندگی بازنمی‌گردد.

همه این اتفاقات نتیجه سال‌ها سکوت قانون درباره خشونت خانگی و خشونت علیه زنان است. خلأهای قانونی در حوزه خشونت خانگی، عواقب تلخ و بی‌شماری را نشان می‌دهد. گواه آن هم اینکه پدر رومینا و شوهر مونا می‌دانستند که زیر لوای سکوت قوانین از اتمام قتل جان به در برده و نهایتاً آزاد می‌شوند. همین هم دلیلی است برای تأکید بر اینکه نباید فراموش کنیم شناخت، پیشگیری و محافظت از قربانیان خشونت خانگی اهمیت دارد. خشونت خانگی، پدیده‌ای است جهان‌شمول که باید به عنوان یک آسیب اجتماعی شناخته شده و در دور از رویکردهای سیاست‌زده و تندروبه آن پرداخت. زهرا افتخارزاده، مدیرعامل مؤسسه بهبود کیفیت زندگی زنان «آتنا» بیش از ۱۵ سال است که در حوزه خشونت خانگی کار می‌کند. او روایت‌هایی تکان‌دهنده از شدیدترین انواع خشونت خانگی بیان می‌کند. روایت دختری که سال‌ها توسط پدرش مورد آزار قرار گرفت اما دادگاه رای به آزادی پدر می‌دهد. زنانی که در کودکی به زور شوهرشان دادند و امروز، در آستانه ۳۰ سالگی، تازه می‌پرسند من کیستم؟ شاید اگر مادر رومینا می‌دانست که بعد از نهدیدهای همسرش، می‌تواند دخترش را به «خانه امن» ببرد، رومینا الان یک دختر ۱۵ ساله بود که می‌توانست به آینده فکر کند. انتخاب کند. اشتباه کند. زندگی کند... ما در گفت‌وگویی با زهرا افتخارزاده به بررسی خلأهای قانونی در حوزه خشونت خانگی، عواقب و آثاری که این موضوع به دنبال دارد و نمونه‌هایی از خشونت‌های رخ‌داده پرداخته‌ایم. مشروح گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.*

◆ متأسفانه برخی فکر می‌کنند خشونت خانگی فقط به معنای خشونت فیزیکی است، درحالی‌که ابعاد گسترده‌تری دارد. خشونت خانگی چیست؟

خشونت انواع مختلفی دارد. خشونت روانی، کلامی و عاطفی گاهی اوقات از خشونت فیزیکی آسیب‌زننده‌تر است. در این موارد هم مشاوره‌های تلفنی می‌توانند به خانم‌ها کمک کنند خودشان اقدام کرده و تصمیم درست را بگیرند. ولی اولویت اسکان در خانه امن یا کسانی است که در معرض خشونت فیزیکی شدید هستند و جانشان در خطر است و ما با محدودیت منابع مالی مواجه هستیم. در محیط خانه ممکن است انواع خشونت جنسی، اقتصادی، روانی، کلامی، عاطفی و فیزیکی اتفاق بیفتد و این فقط شامل خشونت مرد به زن نیست و می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد. ممکن است شامل خشونت پدر به فرزند یا مادر به فرزند باشد یا حتی خیلی دفعه‌ها برعکس است و ممکن است اشکالی از سالمندآزاری باشد. هر چیزی از این جنس که در محیط خانه اتفاق می‌افتد، جزء خشونت خانگی محسوب می‌شود. خانه باید پناهگاه فرد باشد، اما در برخی موارد این مسئله برعکس می‌شود و افرادی که باید در خانه احساس امنیت و آرامش کنند، هیچ پناهی ندارند.

اکثر مواردی که به ما مراجعه می‌کنند و ما از آنها حمایت می‌کنیم، کسانی هستند که از سوی همسرشان مورد خشونت قرار گرفتند و این شکل خشونت بسیاری از اوقات با خشونت به فرزندان همراه است. مواردی داشتیم از دختران جوانی که توسط پدر، مادر، برادر، نامزدی و دوست مورد خشونت قرار گرفتند. اکثریت مواردی که در خانه امن اسکان پیدا کردند، مورد خشونت فیزیکی و جنسی قرار گرفتند.

◆ انتقادات فراوانی به قوانین حمایتی در مورد زنان وارد است. شما سال‌هاست با قربانیان خشونت خانگی کار می‌کنید، به نظرتان قوانین این حوزه چه خلأهایی دارد؟

غالب با قوانینی مواجه می‌شویم که خودشان می‌توانند مولد بسیاری از آسیب‌ها باشند. این قوانین نه‌تنها خاصیت پیشگیرانه و بازدارنده ندارند بلکه خودشان آسیب‌ها را چند برابر می‌کنند. ما به صورت ویژه درخواست داریم که این قوانین تغییر کنند. لایحه منع خشونت علیه زنان، مدت‌هاست در مجلس خاک می‌خورد. هرچند این قانون به‌هیچ‌وجه ایدئال نیست و از درخواست ما پایین‌تر است، اما باز هم از هیچ بهتر است. بر اساس کنوانسیون حقوق کودک که ایران هم در آن پیوسته است، ازدواج زیر ۱۸ سال نباید صورت بگیرد. اما الان دعوا بر سر ازدواج زیر ۱۳ سال است!

برای ما که هر روز با این آسیب اجتماعی درگیر هستیم، تعجب‌آور است. مسئله کودک‌همسری به‌هیچ‌عنوان یک مسئله عقیدتی و سیاسی نیست. هر آدم سالمی که بیاید و اینجا بنشیند، این پرونده‌ها و اتفاقات را ببیند، متوجه می‌شود که کودک‌همسری اشتباه است. وجدان طبیعی انسانی متوجه می‌شود که کودک‌همسری اشتباه است. وقتی شما وام تسویب می‌کنی و فردی که نان شب ندارد به خاطر وام، فرزندش را رها می‌کند، چه انتظاری داری؟ آقای مسئول این مسئله ربطی به این ندارد که دختر شما در سن کم ازدواج کرده و تجربه موفقی هم داشته است؛ شما نمی‌توانید به خاطر این مورد خاص، برای جامعه‌ای که در جنبی تورمی است، نسخه بپیچید. در بسیاری از مواقع، مسئله فرهنگی هم مطرح است. قانون باید تغییر کند و همزمان آموزش‌های لازم هم به مردم داده شود. قانونی که اجازه می‌دهد پدر هر بلایی می‌تواند و می‌خواهد سر بچه خودش بیاورد و او را بکشد. پدر رومینا با داس سرِ دختر خودش را برید و الان باید فقط ۹ سال زندان برود. پدر رومینا با علم به این مسئله (مجازات) این کار را کرده بود و خودش گفته بود که می‌دانسته اعدام نخواهد شد. مسئله بعدی تجاوز محارم است. پرونده‌های زیادی داشتیم که شکایت شده و به دادگاه رفته‌اند، اما دادگاه می‌گوید این مسئله در صورتی اثبات می‌شود که چهار مرد به عنوان شاهد حضور پیدا کرده و بگویند ما خودمان دیده‌ایم! این غیرممکن است؛ این اتفاق در خانه افتاده است. هیچ آدمی نمی‌رود چهار نفر را از خیابان پیدا کند و بگوید بیایید ببینید من می‌خواهم به دختر خودم تجاوز کنم. اصلا با چه منطقی باید کسی باشد و این صحنه را ببیند.

برخی فکر می‌کنند ما بنیان خانواده را به خطر انداخته‌ایم. اتفاقاً کار ما کاملا در جهت حمایت از بنیان خانواده است. ما پرونده‌ای داشتیم که بعد از خشونت پدر به مادر، پسر ۱۵ ساله طاقتش طاق شده و پدر را کشته است. این خانم همیشه به من می‌گفت اگر من زودتر اینجا را می‌شناختم، همان زمانی که دختر خودم، با بچه‌ها اینجا می‌آمدم و من اینکار را انجام می‌دادم، این اتفاق نمی‌افتاد. ما باید پناهگاه فرد باشد، اما در برخی موارد این مسئله برعکس می‌شود و افرادی که باید در خانه احساس امنیت و آرامش کنند، هیچ پناهی ندارند.

◆ در این سال‌ها، با توجه به مراجعاتی که داشتید، وجه اشتراک قربانیان خشونت خانگی را چه دیدید؟

در این ۱۵ سال ۸۵ درصد پرونده‌هایی که به ما مراجعه کردند، با موضوع کودک‌همسری ارتباط داشته است. کودک‌همسری، مادر آسیب‌ها است و متأسفانه به اشتباه هنوز از آن حمایت می‌شود. حتی آن را تشویق می‌کنند. حتی به‌تازگی قوانینی تصویب شده مانند قانون جمعیت که ناخودآگاه کودک‌همسری را تشویق می‌کند. ما به دست خودمان مولد، مشاور و موجب تولید بی‌شمار آسیب می‌شویم. دوران نوجوانی یک دوران طلایی است که فرد باید آموزش ببیند و هویت خود را پیدا کند. فردی که آموزش ندیده، تجربه ندارد و هویتش شکل نگرفته است و دختری که فرزندش فرستاده می‌شود و بعد باید نقش همسری و مادری را بر عهده بگیرد... من تعجب می‌کنم که چرا در این قوس و در این سال هنوز باید در مورد این موضوع صحبت کنیم. این مسئله خیلی واضح است که کودک‌همسری مصداق بارز آزار جنسی کودک است. کودک هیچ تصوری از موضوعی که برایش اتفاق می‌افتد، ندارد. مصاحبه‌ای که پدر، مونا حیدری انجام داد، من را متعجب کرد. با اینکه این فاجعه اتفاق افتاده، هیچ درک نزدیکی از این اتفاق ندارد و می‌گوید دختر من مخالف ازدواج نبود. اگر شما بچه ۱۲ ساله را به کلاس موسیقی ببری و تشویقش کنی، به کلاس علاقه‌مند می‌شود و طبیعتا به هر سمتی که او را ببرید، خواهد رفت. اصلا متوجه نیست که چه اتفاقی قرار است برایش بیفتد که بخواهد اعتراض کند! شما که آدم بالغی هستید، باید بفهمید که یک بچه ۱۲ ساله نمی‌تواند زندگی تشکیل دهد. موضوع خوب یا بدِ بودن هم نیست، موضوع این است که این محدوده سنی مناسب ازدواج نیست. یک کودک ۱۲ ساله نمی‌تواند این نقش‌ها را ایفا کند. کسی که قدرت تشخیص ندارد و خود قانون اجازه رأی و انتخابات را به او نمی‌دهد، چطور می‌تواند مسئولیت همسری و مادری را به او واگذار کرد؟ مگر اینکه تصور کنیم نقش‌های همسری و مادری احتیاج به هیچ تجربه تمایلات انسان‌ها هستند، پویا، پایدار، کارآمد و مقتدر خواهند بود. یک اپدئولوژی جبرا باید به مرور تحول و تکامل و در نهایت به‌روزرسانی شود؛ به این دلیل ساده که شراط زمین انسان‌ها با بزرگ قاعده طبیعی، آسمانی و ماقبزیکی، پیوسته و بی‌وقفه در حال حرکت، تحول، تغییر و تکامل است.

نظریه محصول سال‌ها تلاش ذهنی است، اما راهکار برایند شناخت تجربی است. سیاست‌ورزان می‌توانند بعد از سال‌ها حضور در عرصه سیاسی، راهکارهایی را ارائه دهند، اما نمی‌توانند صرفا به این دلیل که بارگر تجربی سیاسی، نظریه سیاسی را تولید به تولید کنند. بنابراین، ورود و دخالت پژوهشگران «اتشکاهی» به منظور راهنمایی و آموزش سیاست‌ورزان امری بسیار ضروری و مؤثر است. هیچ ایدئولوژی سیاسی شناخته‌شده در تاریخ سیاسی جوامع نتوانسته بدون همانندسازی نه‌تنها از اجتماعی- در دوره‌های گوناگون پایدار بماند. میان ایدئولوژی و شرایط عینی زیست اجتماعی انسان‌ها رابطه علت و معلولی وجود دارد؛ شرایط زیست علت و ایدئولوژی معلول است. معلول نمی‌تواند بدون علت که همان شرایط متغیر زیست اجتماعی است، پایدار و کارآمد باشد و بدون داشته باشد.

◆ مادرانی که قربانی کودک‌همسری هستند، اصولا چه ویژگی‌ای دارند؟

در چنین شرایطی انکار بچه‌ها فقط به مرد تعلق دارد! اگر خانمی خودش تصمیم گرفته باشد که در زندگی‌اش تغییر ایجاد کند، به خاطر این عوامل و نبود حامی مجبور می‌شود در آن محیط بماند. ما تلاش می‌کنیم کاری کنیم که هیچ‌کس مجبور به ماندن در این محیط نشود. کسی که پیش ما می‌آید، در ابتدا به لحاظ خوراک، پوشاک و بقیه مسائل زندگی حمایت می‌شود. بعد وارد بخش توانمندسازی شده و به او مهارت آموخته می‌شود. مهارت‌آموزی به صورت رایگان است. همزمان کمک‌هزینه هم به آنها تعلق می‌گیرد تا بتوانند کم‌کم روی پای خود بایستند. در اینجا دیگر بحث انتخاب مطرح می‌شود و موضوع وابستگی روانی و عاطفی پیش می‌آید. همه تلاش ما این است که کسی به حاطر عدم تأمین معیشت برگشته و تحت خشونت قرار بگیرد. اکثر کسانی که به ما مراجعه می‌کنند، از طبقه پایین اجتماعی هستند. مواردی هم داشتیم که فرد به لحاظ اجتماعی کاملا تحصیل‌کرده است و از نظر اقتصادی در شرایط متوسط یا بالا قرار دارد. کسانی نهایتا به خانه امن اسکان پیدا می‌کنند که واقعا هیچ‌کس را ندارند.

من به زن‌های قهرمانی که در برابر خشونت سکوت نمی‌کنند، افتخار می‌کنم. آنها در بدترین شرایط به اینجا می‌آیند. بچه‌های‌شان را در این فضای خشونت‌بار رها نکرده و با مددکاران با دیدن شجاعت این زن‌ها به کار ادامه می‌دهیم و از آنها الهام می‌گیریم.

◆ پرونده‌های خشونت بیشتر به کدام طبقه اقتصادی مربوط می‌شود؟

اقشاری که متعلق به طبقه متوسط و متوسط به بالا هستند، خیلی سخت‌تر برای این موضوعات (خشونت خانگی) مراجعه می‌کنند. آبرو و موقعیت اجتماعی برای این اقشار پررنگ‌تر است. از سوی دیگر نوع مواجهه «مرتکب خشونت» در این اقشار خیلی متفاوت است. آنها اغلب دارای نفوذ و روابط مختلف و به کار آمده هستند و می‌توانند کاری کنند که خانم حتی نتواند یک ریال از حقوقش را بگیرد.

◆ برگردیم به ابتدا، کمی از تاریخچه «خانه امن آتنا» بگویید. خانه امن کجاست و چرا به فکر تأسیس خانه امن افتادید؟

در روند کار با عزیزانی مواجه شدیم که در معرض خشونت قرار گرفته بودند و همین باعث شد که خشونت خانگی برای من دغدغه شود. به همین دلیل سال ۹۶ برای خانه امن مجوز گرفتیم. در این پنج سالی که از فعالیت ما در خانه امن می‌گذرد، هر روز مراجعات ما بیشتر شده و این باعث ناراحتی و تأسف ماست که این میزان خشونت وجود دارد و مدام مجبور هستیم ظرفیت خانه‌ها را افزایش دهیم.

در ابتدای کارخانه امن شش نفر ظرفیت داشت و بودک‌همسری جزء خانه دوم را تأسیس کنیم و در حال‌حاضر سه خانه امن با ظرفیت ۶۰ نفر داریم. در کل کشور هر خانه امنی با ظرفیت پایین‌تر مجبور شود، باز به اسکانات و شرایطی که در خانه امن وجود دارد، جز این هر زمانی که مورد خشونت قرار بگیرد، می‌تواند همراه فرزندش از خانه خارج شده و طبق قانون به خانه امن آمده و اسکان پیدا کند. این اتفاق بسیار مهم است؛ چراکه می‌تواند از بسیاری از آسیب‌هایی که امروز در جامعه می‌بینیم، پیشگیری کند. ازجمله همان اتفاقی که برای دختر اهوازی (مونا حیدری) افتاد یا بلایی که سر لیبرالیسم آمریکایی است که در حال کذار از مسیر افولی هستند که ابرقدرت‌های پیشن طی کرده‌اند.

شاید با این مقدمه بتوان به شکلی شفاف‌تر به ارزیابی ریشه بسیاری از چالش‌های ملی، درد و رنج، افسردگی و ناامیدی‌ای که شهروندان دچار آن هستند، پرداخت.

روش‌های گوناگون مدیریت یک جامعه (کشور) برگرفته از ایدئولوژی و طرح‌های نظری است که محصول سال‌ها تلاش ذهنی اندیشمندان است. نظریه‌ها و روش‌های مدیریت سیاسی یک جامعه، در اصطلاح ایدئولوژی نامیده می‌شوند. بنابراین، ایدئولوژی‌ها مجموعه‌ای از اندیشه‌ها برای مدیریت امور، چالش‌ها و مشکلات گوناگون جامعه بشری هستند. عملی، کاربردی و کارآمد بودن ایدئولوژی‌ها منوط به ارتباط آنها با شرایط و اوضاع و احوال عینی و ملموس انسان‌ها «در زمان حال» در جامعه و نه امور تاریخی و آرمانی است.

ظاهرا بنا بر شواهد تاریخی و عینی، ایدئولوژی‌ها تاریخ‌مصرف دارند؛ به همین دلیل هنگامی که ایدئولوژی‌ها ارتباط خود را با شرایط و اوضاع و احوال عینی از دست می‌دهند، غوب آنها آغاز می‌شود. «نشانه‌های قطع ارتباط ایدئولوژی‌ها با زیست عینی و ملموس شهروندان، به شکل ناکارآمدی مدیریت در انواع چالش‌های اقتصادی، سیاسی، روابط خارجه، فرهنگی، صنعتی، علمی، اخلاقی، شکاف میان شهروندان و مدیریت کلان و... نمود می‌یابد». در کلان جیستی و کاربرد مفهوم ایدئولوژی، بدون شک نه‌تنها منجر به درک التهاب اجتماعی و سیاسی جاری خواهد شد، بلکه می‌تواند منشأ راهکارهای کم‌هزینه و عملی برای مدیریت التهاب سیاسی و اجتماعی جاری و آتی باشد.

سیاست‌ورزان مصرف‌کنندگان اندیشه‌ها و نظریات کاربردی به‌عنوان ابنار فعال سیاسی هستند. این اندیشمندان، ایدئولوژی‌ها و محققان هستند که اندیشه‌ها و نظریات (سیاسی) را تولید می‌کنند. با توجه به ناکارآمدی مدیریت، برپیراه نیست اگر گفته شود بسیار کاربردی و سودمند و به همین دلیل دوروی است تا اندیشمندان، پژوهشگران و دیگر تولیدکنندگان اندیشه، به نقد جدی مبانی ایدئولوژیک عملکرد مدیریت کلان بپردازند. نقد مبانی نظری ایدئولوژیک مدیریت به این معناست که وظیفه پژوهشگران است که صرفا به شکلی منطقی، بدون غرض‌ورزی و دخالت احساسات به تبیین رابطه علت و معلولی انواع چالش‌های اجتماعی و ملی در عرصه‌های گوناگون با مبانی نظری ایدئولوژیک مدیریت کلان بپردازند.

ایدئولوژی‌ها تا زمانی پاسخگو نیازها، خواسته‌ها و آموزشی ندارد و فقط یک موضوع جنسی است که این مسئله هم بسیار قدیمی است! صرف‌نظر از اینکه یک نفر رشد کفتی دارد، نمی‌توانیم ادعا کنیم برای رابطه جنسی آماده است. کودک‌همسری مصداق بارز آزار جنسی کودک است. اگر نگاه ما فقط این است که دختر نوجوان می‌تواند رابطه برقرار کند و همین برای زندگی‌کردن کافی است، انسانیت را تحت‌الشعاع قرار نداده‌ایم؟ مونا حیدری به بدترین شکل قربانی شد و سرش را بریدند، اما روزی کشته شد که بچه ۱۲ ساله را بردند و عقد کردند. او را همان‌جا کشتند. بچه سه‌ساله مونا را هم کشتند، الان سر او هم بریده و در اهواز گردانده شد.

◆ مادرانی که قربانی کودک‌همسری هستند، اصولا چه ویژگی‌ای دارند؟

مادرانی که به اینجا می‌آیند یا خودشان قربانی کودک‌همسری شدند یا دخترشان قربانی کودک‌همسری است. یک پرونده داشتیم درباره پدری که به دخترش آزار رسانده بود. دختری آن‌قدر کوچک بود که تا هفت‌هفتگی متوجه نشده که باردار است. مادر خانواده کودک‌همسر بود. در ۱۰سالگی شوهرش دادند و بعد چهار بچه به دنیا آورده بود. در این سال‌ها دیدیم اکثرا این مادران هیچ حس حمایتی به بچه‌هایشان ندارند. البته ما نمی‌توانیم در این زمینه قضاوت خاصی داشته باشیم. برای اینکه بچه‌های مادرشدن کودک بوده و درکی نسبت به این داستان ندارد. برایش شبیه عروسک‌بازی بوده و الان هم احساس می‌کند این مسئله باری روی دوشش است. باز هم من این صحبت را از این مادران شنیده‌ام که می‌گویند: «من نه بچگی کردم، نه جوانی. تازه می‌خواهم بروم خونه خودم را پیدا کنم». همین باعث می‌شود که این بچه‌ها در محیط خشن رها شوند. ما جامعه و قانون کنار نشسته‌ایم، نه‌تنها کنار نشسته‌ایم، بلکه تشویق کردیم که این افراد به انواع آسیب و آزار دچار شوند. الان هم بیرون از گود نشسته‌ایم و می‌گوییم این چه مادری است؟ این چه وضعی است؟ درحالی‌که اصلا حق قضاوت نداریم! اگر الان متوجه نشویم و جلوی این آسیب‌ها را نگیریم، این شرایط ادامه پیدا می‌کند. انفجار آسیب‌ها به شکل‌های مختلف منجر به انفجار اجتماعی می‌شود. من متوجه نمی‌شوم که چرا این کار را انجام می‌دهیم؟ انگار نشسته‌ایم و به این فکر می‌کنیم که چطور باید آسیب ایجاد کنیم! مگر ما کم مشکل داریم؟ خودمان به دست خودمان در حال نابودی نسل آینده هستیم و به این شکل نسل‌های بعد و بعدتر هم نابود می‌شوند. مثل اتفاقی که برای بیرو مونا افتاد. رسالت ما این است که هیچ‌کس به خاطر شرایط قربانی نشود و برای انتخاب، گزینه داشته باشد.

◆ چرا برخی از زنان که قربانی خشونت خانگی هستند، این شرایط را تحمل می‌کنند؟

علت اینکه بسیاری از زنان از شرایط خشونت‌بار خارج نمی‌شوند، این است که حمایت ندارند. گزینه‌ای ندارند و مجبورند همان‌جا بمانند و تحمل کنند. بخشی از این حمایت اقتصادی است؛ چراکه فرد به خاطر محیط خشونت‌بار و کودک‌همسری مهارتی بلد نیست. تجربه ندارد و اجازه نداشته که از خانه بیرون بیرد و کسب درآمد کند. کسی که از خودش هیچ چیزی بلد نیست، تازه دارد در زندگی تجربه ایجاد کند.

خانواده‌ها هم اکثرا از مراجعان ما حمایتی نمی‌کنند. ممکن است فرد خشونت‌دیده بارها فکر کرده باشد و به خانه مادرش رفته باشد، اما آنجا هم به دلایل اقتصادی-اجتماعی او را برگردانده باشند. می‌گویند ما جامعه‌ای که امروز در جامعه می‌بینیم، پیشگیری کند. ازجمله همان اتفاقی که برای دختر اهوازی (مونا حیدری) افتاد یا بلایی که سر

نگاهی به کودک‌همسری در نقاط مختلف دنیا

ایران کجای جدول کودک‌همسری ایستاده؟

کودک‌همسری پدیده‌ای است که نه‌تنها در ایران بلکه در همه جای دنیا با شدت و ضعف‌هایی در جریان است و همواره هشدارهای بین‌المللی را در پی دارد. ازدواج کودکان به ازدواجی رسمی یا غیررسمی گفته می‌شود که یکی یا هر دو طرف ازدواج زیر ۱۸ سال داشته باشند. ازدواج در سن کودکی یعنی فراموشی بازی و مطالعه مانند سایر کودکان و برعهده‌گرفتن وظایف مادری و خانه‌داری. سال گذشته یونیسف در بیانیه‌ای از افزایش کودک‌همسری در دهه‌های اخیر خبر داده بود. صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) در بیانیه‌ای توضیح داد که مطابق تخمین پیشین این نهاد بین‌المللی در مجموع صد میلیون دختر در دهه جاری در معرض خطر کودک‌همسری قرار داشتند که در مقایسه با ۱۰ سال گذشته ۱۵ درصد کاهش یافته بود؛ اما شیوع ویروس کرونا با دامن‌زدن به گسترش فقر و آموزش از راه دور که در عمل موجب انزوای کودکان و کاهش دسترسی آنها به شبکه نهادهای پشتیبان شده، ۱۰ میلیون دختر دیگر را برای تن‌دادن به ازدواج در سن کودکی تحت فشار قرار خواهد داد. یونیسف تصریح کرده که کودک‌همسری، ضمن آنکه مانع ادامه تحصیل دختران می‌شود، آنها را با تجربه زودهنگام خشونت خانگی و بارداری مواجه می‌کند؛ تجربه‌ای که آثار منفی آن بر جسم و روان دختران جبران‌پذیر نیست. یونیسف ابراز امیدواری کرده که با مهار همه‌گیری کرونا و بازگشایی مدارس، اجرای قوانین و سیاست‌های مؤثر در کشورهای مختلف جهان مانع از رشد پدیده کودک‌همسری در میان دختران شود. تخمین زده می‌شود ۶۵۰ میلیون نفر از دختران و زنانی که درحال‌حاضر در قید حیات هستند، در دوران کودکی ازدواج کرده باشند و نیمی از این ازدواج‌ها نیز در کشورهای بنگلادش، برزیل، اتیوپی، هند و نیجریه انجام شده باشد. بر اساس گزارش سال ۲۰۲۰ سازمان ملل متحد، حداقل سن ازدواج در بیشتر کشورهای جهان برای پسران و دختران ۱۸ سال تعیین شده، ولی برخی کشورها از این قاعده پیروی نکرده و سنی پایین‌تر را حداقل سن ازدواج تعیین کرده‌اند. اکثر کشورهای اسلامی نیز حداقل سن ازدواج را برای پسران ۱۸ و برای دختران بین ۱۵ تا ۱۸ سال در نظر گرفته‌اند. ایران در کنار لبنان، برونئی و سودان تنها کشورهایی هستند که حداقل سن ازدواج را زیر ۱۵ سال به رسمیت شناخته‌اند. کشور چاد نیز با وجود تصویب ۱۸ سال به‌عنوان حداقل سن ازدواج ولی مشروط به نظر دادگاه اجازه می‌دهد دختران بالای ۱۳ سال ازدواج کنند. سریلانکا و یمن نیز دو کشوری هستند که اساسا قانونی به نام حداقل سن ازدواج ندارند. برخی کشورها نیز مانند امارات با اجازه دادگاه به دخترانی که زیر سن قانونی هستند ولی به بلوغ رسیده‌اند، اجازه ازدواج می‌دهند. بر اساس براورد‌های یونیسف، نرخ ازدواج کودکان زیر ۱۸ سال در کشورهای آفریقایی حدود ۳۷ درصد و در برخی کشورها مانند نیجر، آفریقای مرکزی و چاد بین ۶۷ تا ۷۶ درصد است. این نسبت تا ۱۰ سال پیش در جنوب آسیا ۴۹ درصد بوده که تا الان به حدود ۳۰ درصد کاهش پیدا کرده است. کشورهای آفریقایی و جنوب شرق آسیا در زمینه کودک‌همسری سردمدار هستند. مطابق آمارها کشورهای نیجر، چاد، بنگلادش، گینه، موزامبیک، مالی، بورکینوفاسو، سودان جنوبی، مالاوی، ماداگاسکار، اریتره، هند، سومالی، سیرالئون و زامبیا از بیشترین ازدواج‌های زیر ۱۸ سال برخوردارند.

در نیجر ۷۷ درصد و در مالی، چاد و کنگو نیمی از دختران قبل از رسیدن به ۱۸سالگی ازدواج می‌کنند. هند با بیش از ۱۵ میلیون و بنگلادش با بیش از چهار میلیون عروس کودک، در جهان جلودارند. هرچند در این کشورها حداقل سن قانونی برای ازدواج ۱۸ سال است؛ فیلیپین ازجمله جدیدترین کشورهایی است که کودک‌همسری را ممنوع اعلام کرده. در قانون ممنوعیت کودک‌همسری آمده است: «با ماجراجو‌ها و بازنگری به شان کودکان و ارزش آنها... دولت با ازدواج کودکان مخالف است و برای حفظ کرامت انسانی آن را خلاف قانون اعلام می‌کند». بر پایه این قانون ازدواج بین افراد زیر ۱۸ سال منجر به صدور حکم ۱۲ سال زندانی برای شخص خاطی خواهد شد. مجازاتی مشابه برای افراد یا اتحادیه‌هایی که ازدواج کودکان را سازمان‌دهی کنند نیز وجود دارد. بر اساس اطلاعات سازمان حقوق‌بشری انگلیسی برنامه بین‌الملل در فیلیپین از هر شش دختر زیر ۱۸ سال یک نفر ازدواج می‌کند. این کشور جنوب شرقی آسیا در رده دوازدهم کودک‌همسری در جهان قرار دارد. دلایل ازدواج کودکان در جهان پیچیده و متفاوت است؛ اما آمارها نشان می‌دهد توسعه‌نیافتگی اقتصادی و فقیربودن خانواده‌ها به صورت گسترده‌ای به کودک‌همسری دامن می‌زند. خانواده‌های بسیار فقیر از ازدواج کودکان به‌عنوان راهی برای کاهش مشکلات مالی‌شان استفاده می‌کنند. ست‌ها به‌عنوان بخشی از هنجارها و باورها در خرده‌فرهنگ‌ها یا گاه فرهنگ همگانی یک کشور، دختر را پس از قاعدگی به‌عنوان یک زن کامل می‌شناسد و شرایط ازدواجش را فراهم می‌کند. گاهی ازدواج کودکان راهی برای بقای کودک و خانواده است. وقتی جنگ، درگیری‌های داخلی یا بحران‌های فلج‌کننده رخ می‌دهد، برخی خانواده‌ها از ازدواج کودکان -به‌ویژه دختران- به‌عنوان چتر حمایتی در حفظ جان و ناموس‌شان استفاده می‌کنند.

بسیاری از اوقات اعتیاد زمینه‌ساز و موجب خشونت است و ما ممکن است فرد را به کمپ برده و هزینه‌ها را هم پرداخت کنیم. برخی اوقات، علت اختلالات روانی است و ما هزینه کامل درمان فرد «مرتکب خشونت» را بر عهده می‌گیریم. ما هم برای تغییر کمک کنیم.

بسیاری از اوقات اعتیاد زمینه‌ساز و موجب خشونت است و ما ممکن است فرد را به کمپ برده و هزینه‌ها را هم پرداخت کنیم. برخی اوقات، علت اختلالات روانی است و ما هزینه کامل درمان فرد «مرتکب خشونت» را بر عهده می‌گیریم. به‌هرحال او هم یک قربانی است و نیاز به درمان دارد. در ادامه این روند اگر خانم و آقا به این نتیجه برسند که می‌توانند دوباره فرصتی به زندگی خودشان بدهند، بعد از گرفتن یک سری تضامین و تعهد از فرد مرتکب خشونت، آنها سر زندگی‌شان برمی‌گردند. البته بعد توسط مددکار ما پیگیری می‌شوند. مواردی هست که افراد «مرتکب خشونت» برای تغییر هیچ قصدی ندارند و خود خانم هم نمی‌خواهد به زندگی برگردد. بر این اساس مراحل قانونی را طی می‌کنند، بخش شخوص خانه امن و وکلای داوطلب برای پیگیری وارد می‌شود و به آنها برای طی‌کردن مراحل قانونی کمک می‌کند. افراد از زمانی که به نقطه‌ای برسند که بتوانند تصمیم مشخص بگیرند، به ثبات برسند و توانمندی‌شان افزایش پیدا کند، می‌توانند در محیط ما باقی بمانند. بر اساس پروتکل‌ها بهزیستی فقط ۲۱ روز فرد را نگه می‌دارد اما در مورد ما هیچ محدودیتی وجود ندارد.

◆ به‌طور معمول افراد خشونت‌دیده چطور با شما تماس می‌گیرند؟

افراد از طرق مختلف با ما تماس می‌گیرند. خیلی اوقات، افراد خشونت‌دیده از طریق دیگران به ما معرفی می‌شوند. همسایه‌هایی که دائم صدای داد، فریاد و کتک‌کاری را می‌شنوند. گاهی اوقات، فرد «مرتکب خشونت» زن را شب از خانه بیرون می‌اندازد و همسایه‌ها متوجه می‌شوند و اطلاع می‌دهند. گاه عزیزی را چشم کبود و ظاهر آشفته پیش ما می‌آید و حتی قرصت نکرده وسایلش را جمع کند. با دمپایی بدون هیچ وسیله و لباسی به اینجا می‌آید. در درجه اول، کار ما این است که هیچ فردی به خاطر فشار مجبور نباشد در این شرایط خشونت‌آمیز به زندگی ادامه دهد.

◆ کسانی که در معرض خشونت خانگی قرار دارند، چطور می‌توانند با شما تماس بگیرند؟

هر خانمی که تحت خشونت است، می‌تواند با شماره‌های مؤسسه ما تماس بگیرد. ولی این مسئله است که بدانید ما اورژانس اجتماعی و شبانه‌روزی نیستیم. خانم‌ها می‌توانند از شنبه تا پنجشنبه از ساعت ۹:۰۰ صبح تا ۱۷:۰۰ با شماره‌های ما تماس بگیرند. شرایطشان را توضیح دهند و مشکلشان را بگویند. مددکاران با آنها صحبت کرده و طرح حل‌شان را می‌بینند. ما کاملا یک سازمان مردمی هستیم و ما به حال یک رنال بودجه دولتی دریافت نکرده‌ایم. کسانی که واقعا در شرایط خطرناک قرار دارند و امنیت ندارند، اولویت اصلی خانه امن هستند.

◆ این گفت‌وگو چند ماه پیش انجام شده است.

ادامه از صفحه اول

◆ به فرد مرتکب خشونت چه خدماتی ارائه می‌دهید؟

در موارد خاص، فرد «مرتکب خشونت» هم به محل مؤسسه می‌آید تا مشاوره و زوج‌درمانی شود. البته این محل کاملا از خانه امن جداست و امنیت خانم‌ها حفظ می‌شود. تمام تلاش ما این است که با توجه به تمایل خانم‌ها با مشاوره و زوج‌درمانی به آنها کمک کنیم و تلاش می‌کنیم با خدمات درمانی به خود «مرتکب خشونت» هم برای تغییر کمک کنیم.

بسیاری از اوقات اعتیاد زمینه‌ساز و مو